

چکیده:

رابطه عاطفی انسان و مکان، «دلبستگی به مکان»؛ مقوله ای است که توجه بسیاری از محققین در حوزه علوم مختلف را به خود جلب نموده است. در این مطالعات به نقش عوامل و ابعاد مختلف انسانی و مکانی در عرصه های فضایی گوناگون اشاره گردیده است. تحقیق حاضر با عنایت به اهمیت این مقوله در عرصه فضاهای عمومی شهری، ضمن آزمون و بررسی نقش برخی ابعاد مکانی و انسانی بر میزان دلبستگی به مکان در فضای نمونه، به مطالعه نقش تنوع فعالیتی (کاربری مختلط) و ابعاد بصری مکان در این رابطه می پردازد.

فضای عمومی مورد مطالعه در شهر قزوین قرار دارد که به علت مهاجرپذیری، دارای تنوع اجتماعی بالایی می باشد. این فضا، خیابان «خیام» یکی از فضاهای شهری فعال شهر قزوین می باشد که براساس نظر شهروندان انتخاب گردیده است. روش تحقیق در این رساله مبتنی بر روش پیمایشی، توصیفی و مشاهده ای بوده و با استفاده از ابزارهای مختلف: مصاحبه فردی با مشارکت ۵۹۸ نفر در دو گروه کاربران حاضر در فضای نمونه و شهروندان ساکن در سطح شهر، مطالعه اسنادی، مشاهدات فردی محقق، سنجش مکان (Place check) با مشارکت برخی از متخصصان معماری و شهرسازی ساکن قزوین، صورت گرفته است. داده های تحقیق در محیط نرم افزار اس.پی.اس.اس (SPSS) وارد گردیده و از طریق آزمون های تحلیل عاملی، تی تست (T-test)، تحلیل واریانس، همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته اند.

نتایج حاکی از آن است که در میان عوامل انسانی و مکانی مؤثر بر دلبستگی به مکان که تاکنون گزارش شده اند و در این تحقیق مورد آزمون قرار گرفته اند: تنوع فعالیتی، عوامل بصری، بعد اجتماعی فضا، معنای مکان و عامل زمان، بر میزان دلبستگی به مکان در فضای نمونه تأثیرگذار می باشند. همانگونه که در فرضیه ها انتظار می رفت، ارتباط مثبت و معناداری بین تنوع فعالیتی و دلبستگی به مکان وجود دارد (پتا=** ۰/۱۰۱). در میان ابعاد مختلف کالبدی فضاهای عمومی نیز کیفیات بصری بیشترین تأثیر را بر میزان دلبستگی به مکان داراست (پتا=*** ۰/۳۳۶). به علاوه

آزمون های مختلف رگرسبون نیز حاکی از نقش سه عامل کلیدی: تنوع فعالیتی، عوامل بصری و عامل زمان، بر دلبستگی به مکان می باشد که مشاهدات و نتایج حاصل از سنجش مکان نیز مؤید آن است.

کلید واژه ها:

دلبستگی به مکان، فضای عمومی، کاربری مختلط (تنوع فعالیتی)، ابعاد بصری